

حمد مقدس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودیرا لایق و سزاست که...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



رقم (26) - من آثار حضرت بهاءالله - کتاب اشراقات -
صفحه 269 - 274

(26)

هو السامع من افقه الاعلی

حمد مقدس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودیرا لایق و سزاست که از قلم اعلی کوشر بقا جاری فرمود و از قطره ان مقبلین را حیات ابدی عطا نمود و این قطره در مقام اول و رتبه اولی بهیئت نقطه ظاهر و از او علوم اولین و آخرین را از عالم غیب بعرضه شهود آورد و چون خدمتش مقبول افتاد بحرف با مؤانس گشت و باو علم انه لا اله الا هو مرتفع و رایت نصر و ظفر منصوب اوست مقتدری که اراده اش را قدرت کائنات و قوت ممکنات منع نماید طوبی از برای نفوسیکه از سلسبیل



ORIGINAL

کلمه یفعل ما یشاء نوشیدند و خود را از عالم و عالمیان فارغ و آزاد مشاهده نمودند انک اذا سمعت صریر قلبی الاعلی و شربت رحیق الوحی من کأس عطاء مولی الوری قل

سبحانک یا مولی الاسماء و فاطر السماء اشهد بوحدانیتک و فردانیتک و بعظمتک و اقتدارک اسئلک بسراج امرک الذی به نورت العالم و باسمک الاعظم الذی به هدیت الامم ان تجعلنی فی کل الاحوال ناطقا بثنائک و قائما علی خدمة اولیائک و متمسکا بجمک ای رب تری اقبالی الی افقک و توجهی الی انوار وجهک اسئلک ان لا تجعلنی محروما عما کتبه لاصفیائک الذین ما منعهم سیوف الاعداء عن الاقبال الی افقک الاعلی و لا ضوضاء العلماء عن ذکرک یا مالک العرش و الثری و رب الآخرة و الاولی ای رب تری العاصی اراد بحر غفرانک و عفوک اسئلک بکرمک الذی احاط علی العالم ان تغفر جریراتی و خطیئاتی و قدر لی ما يجعلنی مستقیما علی امرک بحيث لا یمعنی ظلم المعتدین و لا شبهات المربیین و لا اشارات الذین کفروا بیوم الدین ای رب لا تمنعنی عما اردت من سماء فضلک نور ارکانی بحدک و رحمتک و قلبی بانوار نیر ظهورک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم

نامه که بعبد حاضر ارسال نمودی نزد مظلوم مذکور عرف اقبال و ایمان از ان متضوع از حق میطلبیم از هر یک از احبای ان ارض ظاهر فرماید آنچه را که سبب هدایت خلق است و همچنین جاری نماید آنچه را که علت حیات اهل عالم است لیس هذا علی الله بعزیز در سلیمان و اباذر تفکر نما که بعد از قبول بچه مقام فائز گشتند عنایتش تمار را از اختیار نمود و عدلش ابرار را از اشرار اینست معنی کلمه يجعل اسفلکم اعلیکم و اعلیکم اسفلکم در اصحاب عیسی بن مریم تفکر نما باخذ اعشار و سمک مشغول بودند و لکن از پرتو انوار نیر برهان بمقامی رسیدند که عالما صید نمودند چه که از خود و ما عندهم گذشتند و بما عند الله اقبال کردند و تمسک جستند اراده و مشیت خود را در مشیة الله محو و فانی نمودند و بخدمت قیام کردند قیامیکه سطوت یهود عنود و عبده اصنام ایشانرا از مالک ایجاد منع نمود از حق میطلبیم کل را تأیید فرماید و حفظ نماید و لکن بعضی از اهل بیان باسباییکه سبب تفریق و اختلاف است مشغول اصل را گذاشته اند و در فکر آند عجل یافت شود و بان تمسک نمایند و سبب فتنه اخری گردند باید کل از حق جل جلاله مسئلت نمایند آنچه را که سبب اعلاء کلمه و علت استقامت بر انست قلم اعلی ترا وصیت مینماید بآنچه سبب ابقا و ارتفاع است و دوستان ان ارض طرا را بحکمت امر نموده و مینماید لثلا یظهر منهم ما تضطرب به الافئدة و النفوس لا زال اولیای ان ارض تحت لحاظ بوده و هستند انا ذکرنا الذی صعد الی الله بذکر لا یتغیر عرفه و لا تنقطع نفعاته انها تكون باقیة ببقاء الملک و الملکوت یشهد بذلک مالک الجبروت اذ استوی علی العرش بسطان مبین الذی سمی بمحمد قبل علی فی

کتاب الاسماء علیه بهاء الله و بهاء من فی السموات و الارضین انا طهرناه عما لا ینبغی و رفعناه الی مقام
عجزت عن ذکره الاقلام و نذکر ابنک الذی سمی بمحمد قبل حسن و ذکرناه بما نزل له فی هذا الحین
امطار رحمة ربه الغفور الکریم

یا رفیع امروز کلمة الله از صد اولاد افضل بوده و هست جهد نمائید برضای دوست فائز شوید و ظاهر
شود از شما آنچه که ذکرش در کتاب الهی مخلص گردد اینست اولاد حقیقی و قره عین حقیقی و ذریه
حقیقی کذلک نطق المظلوم اذ احاطت به الاحزان بما اکتسبت ایدی الظالمین یا اهل البهء لا تحزنوا
من شیء الا فیما ورد علینا من جنود الغافلین انا صبرنا فی البأساء و الضراء و امرنا اهل البهء بالصبر
الجمیل

ام طفل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهیم بآنچه که در این لیلہ نازل شده البهء من لدنا علی الذین اخذوا
کأس البقاء باسمی الابهی و شربوا منها رغما لكل غافل بعید و کل عالم مریب